

# تصاویر خیال در شعر پروین



تصویر آفرینی های شعر پروین، اگر چه در قطعات و مثنویها بیشتر به چشم می خورد و اغلب به صورت مناظرات و محاورات گوناگون است، ولی به حکم وجود عاطفه لطیف و استعداد خداداد درایراد تمثیلهای، این تجسم مفاهیم و صحنه پردازیها در ضمن ابیات حکیمانه و عارفانه قصاید هم دیده می شود.

دکتر حکیمه دبران

نظر حکیمت و چه از نظر کیفیت به پایه و مایه وی رسیده باشد.

تصویر آفرینی های شعر پروین، اگر چه در قطعات و مثنویها بیشتر به چشم می خورد و اغلب به صورت مناظرات و محاورات گوناگون است، ولی به حکم وجود عاطفه لطیف و استعداد خداداد درایراد تمثیلهای، این تجسم مفاهیم و صحنه پردازیها در ضمن ابیات حکیمانه و عارفانه قصاید هم دیده می شود.

درباره گذر عمر، انسان را به دانه مرغان تشبیه می کند که پس از افشاندن چندی نمی باید که برچیده می شوند:

تا بپفشانند برچینندهمان  
طوطی وقت و زمان را شکریم

ایشان میگوید «این دیوان ترکیبی است از دوسبک و شیوه لفظی و معنوی، آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعرای خراسان است، خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعرای عراق و فارس، بویژه شیخ مصلح الدین سعدی و از حیث معانی نیز بین افکار و خیالات حکما و عرفا است و این جمله با سبک و اسلوب مستقلی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم معانی و حقیقت جویی است ترکیب یافته و شیوه ای بدیع بوجود آورده است.»

یکی از ویژگیهای این شیوه بدیع و اسلوب مستقل که مرحوم بهار نیز بدان اشاره میکند تصویر آفرینی و قدرت خیال پروین در صحنه پردازی هاست که بی اغراق می توان گفت کمتر شاعری از مرد و زن، در این فن چه از

شکوفه های من از روشنی چو خورشیدند  
به برگ و شاخه من ذره غباری نیست

یکی از ستارگان رخشنده آسمان شعر و ادب فارسی و خورشید فروزان سپهر اخلاق و فضایل انسانی پروین اعتصامی است، پروین برای بیان معانی لطیف و مضامین عالی، گاه از قصاید بلند و کوتاه مدد میگیرد و گاه گوهر ثمین سخن را در سبک مثنوی و قطعه به رشته نظم میکشد. قصاید غزلی پروین اعتصامی یادآور سبک و شیوه هریک از اساتید سخن که باشد، یارای مقابله با آن را دارد و در نهایت شیوایی و در کمال زیبایی است.

مرحوم ملک الشعراء بهار در دیباچه چاپ اول دیوان

رهروما اینک اندرمنزل است  
 پرده شک را برانداز از میان  
 تا ببینی سود کردی یا زیان  
 ما گرفتیم آنچه را انداختی  
 دست حق را دیدی و نشناختی  
 در تو تنها عشق و مهر مادری است  
 شیوه ما عدل و بنده پروری است  
 نیست بازی کارحق خود را مباد  
 آنچه بردیم از تو باز آریم باز  
 «انارادوه الیک».

علاوه بر این توصیفات و تصاویر مرکب، در بسیاری از ابیات پروین تعبیرات ظریف و نسبتاً غریب که یادآور سبک هندی و باریک اندیشی های صائب است، به چشم می خورد.

— رفتن سوزن به دست لرزان:

**سوزنش صد نیش زد این خیرگی**

**دستمزد دست لرزان منست**

— تشبیه لباس پاره پاره به غربال همراه با مفهوم

ضرب المثل کوزه گراز کوزه شکسته آب می خورد:

**جامه ها کردم رفو، اما به تن**

**جامه ای دارم که چون پرویز نست**

— نشان برف و باران در سپیدی شکوفه و شبنم آن:

**هزار نکته ز باران و برف می گوید**

**شکوفه ای که به فصل بهار در چمنست**

— اثر آه سوزان:

**از آن شرار که روشن شود ز سوزدلی**

**بیک اشاره دو صد کوه را چو کاه کند**

— سبند جنایت ظلم:

**سند به دست سیه روزگار ظلم بس است**

**صحیفه ای که در آن ثبت اشک و آه کند**

بطور کلی شعر پروین را از ابعاد مختلف میتوان مدنظر

قرار داد، مضامین عرفانی، نکات اخلاقی، واقعیات

زندگی، اشاره به حقایق اجتماعی و دقایق سیاسی،

مذمت دنیا و نامهربانی روزگار، گذران بودن عمر و

ضرورت فراهم آوردن توشه، جانبداری از حق ترحم به

حال ضعیفان، نصایح مادرانه، تشویق و تحریض به

کسب کمال و هنر و مبارزه با نفس و بسیاری از این نوع

در دیوان وی هریک به تنهایی قابل بررسی و تحقیق دقیق

است.

**پی نویس:**

۱- نگاه کنید به آیه ۴۴ سوره مبارکه اسراء درباره تسبیح همه موجودات خدای متعال را.

از ناپسند نشان دهد. در نکوهش سستی و تن آسانی در قصیده ای میگوید:

**اندرز کرد مورچه فرزند خویش را**

**گفت این بدان که مورتن آسان نمی شود**

و در احتراز از ادعاهای دروغین و بالاخره بر ملا شدن

حقیقت امر در قصیده ای دیگر داستانی را در نهایت ایجاز

در یک بیت بیان می کند و میگوید:

**زاغکی شامگهی دعوی طاووسی کرد**

**صبحدم فاش شد این راز ز رفتاری چند**

یا در میان قصیده دیگری این نوشته را بر برگ شکوفه

میخواند که ایام در گردش است و بهار دیری نمی باید:

**خامه دهر بر شکوفه نوشت**

**هر بهاری زبسی خزانسی داشت**

اما آنچه بیش از همه آوازه شعر پروین را تا به پروین

رسانده است، تصویر آفرینی در مثنویها و قطعات این

شاعره تواناست: پروین می بیند همه در حرکتند، تکاپو و

جستجو و شور و عشق هر پدیده ای در دل پروین شوری

می افکند و او را به اندیشه و امیدارد. پروین در قطعات

از تجربه های شخصی استفاده میکند. استقلال فکر و

ابتکار ذوق در ارائه صحنه های تصویری یا به قولی

تصویرهای مرکب و قصه واره مهمترین امتیاز شعر پروین

است.

البته از بازگو کردن تجربه های دیگران یا تمثیل به

تشبیهات رایج و توجیه و توضیح ضرب المثلهای ابائی ندارد

و هر چند این تصاویر در قصاید با رعایت ایجاز و گذرا دیده

می شود اما در مثنویها و قطعات تا حد امکان به اطناب

می کشد و تمام جزئیات داستان را بازگو و هر مضمونی را

به چند تعبیر بیان می کند و نتیجه داستان را نیز به تصریح

می گوید.

در داستان مادر موسی تمام احساسات و عواطف مادر

را از آیات قرآن الهام می گیرد و پرورش می بیند و

ابیات آخر این مثنوی شصت و چند بیتی را به ذکر نتیجه

داستان اختصاص میدهد «واوحینا الی ام موسی ان

ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی و

لا تحزنی»

**مادر موسی چو موسی را به نیل**

**درفکنند از گفته رب جلیل**

**خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه**

**گفت کای فرزند خرد بیگناه**

**گر فراموش کند لطف خدای**

**چون رهی زین کشتی بی ناخدای**

**گر نیارد ایزد پاکت به یاد**

**آب خاکت را دهد ناگه به باد**

**وحی آمد کاین چه فکر باطل است؟**

و باز همین مضمون را در شکل دیگری ترسیم می کند تا با سوار بر مرکب تیز رفتار دوران می بیند که یک جان سالم به در نمی برند:

**را نماند از تک این خنگ باد پای**

**با در رکاب و سربه تن و دست در لگام**

در غنیمت شمردن و از دست ندادن فرصتها در نظر

ناب پروین آنچنان ارزشمند است که با ذکر تمثیلی

تمام ارکان تشبیه را همراه دارد، آنچه شرط بلاغ است

میگوید:

**بنت مانند گلوبند بود پروین**

**چو شود پاره، پراکنده شود گوهر**

یادآور فرمایش مولا علی علیه السلام در دعای کمیل

است که فرمود پروردگارا از تو میخواهم تمام اوقات مرا

بر شب و روز بیداد آبادان و در خدمتت بهم پیوسته

گردانی «حتی تکون اعمالی و اورادی کله و رداً واحداً»

یادآدانه ای از گردن بند وقت به باطل گراید یا رشته

بندگی گسسته گردد.

و در اظهار دورویی بل چند رنگی هوی پرستان و

نود کامگان منظور خود را به طور صریح در تشبیه بیان

بکند:

**تصویر و هوی نقاش و خود کامی نگارستان**

**از آن روگه سپیدی، گه سیاهی، گاه الوانی**

در پرهیز از هم صحبت ناشایست و هوشیاری کامل

در این امر در ضمن قصاید میگوید:

**گاه باشد که دو صد خانه کند خاکستر**

**خسک خشک چو هم صحبت اخگر گردد**

از مشاهده تیر و کمان نکته ای به خاطرش خطور

می کند که خود میتواند بهترین درس زندگی و

عاقبت اندیشی باشد:

**ز تیر آموز اکنون راستگاری**

**که مانند کمان فردا دوتائی**

از گردش ماه و سیر آن در عرصه آسمان، چشم نگران

و حیران روزگار را می بیند که در جستجوی داراها

واسکندهاست و به زبان عبرت می گوید که عمر پایدار

نیست: «کل شی هالک الی وجهه»:

**ماه چون شب شود، از جای به جایی حیران**

**پی کی خسرو دارا و سکندر گردد**

و باز در انشای قصاید می بینیم پروین نه تنها از کنار

هیچ پدیده ای پی تأمل نمی گذرد بلکه علاوه بر نگرش

دقیق به آثار آفرینش و دریافت صد معنی نهان در هر

برگ گلی، گاه به تناسب سخن و اقتضای کلام برای

موعظه انسان حکایتی کوتاه و نکته ای برگرفته از رفتار و

گفتار دیگر موجودات می آورد تا صفات پسندیده را